

مرام خشونت که ملاتاریا اشاعه داده است ، آتش به جان هستی ایران و دیگر کشورهای مسلمان افکنده است

انقلاب اسلامی : در قسمت اول گزارشی از ایران را می خوانید درباره تاریخچه خشونت گسترده در ایران توسط زورپرستان و در قسمت دوم ، خبرهای را می خوانید در باره خشونتی که گروههای مسلح در شرق ایران روش کرده اند و نظریه راهنمای آن را می آوریم :

خشونت گرائی نظریه و روش از انقلاب بدین سو :

از بدو انقلاب، در ایران، عده ای از روحانیان قدرتمدار و وابستگان به آنها که بیشتر در قم ساکن بودند، خشونت را به عنوان راه رسیدن به خدا و بهشت انتخاب کرده بودند بنا بر نوشته های تاریخی اولین ساکنان مهاجر شهر قم افرادی بودند که بعد از جنگ جمل و شکست در آن، به این شهر آمدند و در اینجا ساکن شدند .

این افراد روحانی که در فرصت طلبی دست هر فرصت طلبی را از پشت بسته بودند ، قبل از انقلاب با فریب مردم همه را به محبت و مهربانی دعوت می کردند ولی به محض پیروز شدن انقلاب، چهره خود را تغییر داده و ماهیت واقعی خود را که همانا خشونت طلبی بی مهار بود ، نشان دادند . این گروه مسلح به روایات دروغین برای فریب مردم و کشاندن آنها به خشونت طلبی از هر روایتی که موجب سوء استفاده از روحیه مردم می شد استفاده کرده و کشور را بسوی خشونت پیش بردند و با استفاده از زور، همه کسانی را که درست می اندیشیدند و ولایت فقیه را خوب می شناختند از سر راه استقرار استبداد مطلقه خود برداشتند.

این گروه ، ابتدا، با سوء استفاده از آیه قصاص در قرآن، زمینه را برای اعدامها و کشتارها فراهم آوردند . بعد از آن، با تصویب لایحه قصاص، آتش خشونت را به جان مردم انداختند . با تشکیل دادگاههای خود ساخته انقلاب و ویژه روحانیت و ایجاد سپاه و بسیج و انصار حزب اللهی جامعه را در اختیار خود گرفته و به هر صورتی که می خواستند آن را سرکوب کردند .

* بنیان خشونت در ایران دو گروه بودند :

روحانیت خشن و جاه طلب و قدرتمدار مانند خمینی و خامنه ای و ربانی املشی و بهشتی و محمد یزدی و مظاهری و مصباح یزدی و محمدی گیلانی و جنتی و خزعلی و مقتدایی و مشکینی و ری شهری و ... که بعداً گروههایی را نیز به وجود آوردند که مهمترینشان گروههای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جوانترها و خشن تریشان - که بعداً از هیچ جنایتی فرو گذار نبودند و یکی از پایگاههای توطئه و بحران بود - گروه ارزشهای انقلاب اسلامی بود که نشریه ارزشها را نیز در اختیار داشتند .

افراد مکلا و بدون لباسی مانند حسین شریعتمداری و حسن شایانفر و عسگر اولادی مسلمان و بادامچیان و علی حسین پناه و شهریار زرشناس و علی جنتی و الله کرم و ده نمکی و محسن رضایی و موسوی و مرتضی نبوی و ... که دور هم جمع شده بودند و گروههای انصار حزب الله و حزب الله را - که در ابتدا گروه چماقداران بودند - به وجود آوردند . نشریات وابسته به این افراد عبارت بودند از یا لئارات الحسین و جام و جبهه و عاشورا و دو کوهه و صبح و کیهان دوره حسین نصیری و حسین شریعتمداری و ... این دو گروه از بنیان خشونت در ایران و بعد از انقلاب هستند .

نشریه انقلاب اسلامی در هجرت در چندین شماره برخی از این خشونت طلبان را معرفی کرده بود و در اینجا بهتر دیدیم که برخی از نظریات یکی از همین خشونت طلبان را بررسی کرده و به نظر شما خوانندگان محترم برسانیم :

* نظریه خشونت علی حسین پناه:

بعد از انقلاب، در بخش مرکز بررسی های سپاه پاسداران، عده ای دور هم جمع شدند که برخی از آنان ، سالها بعد، از آن جدا شدند. مانند عمادالدین باقی . و برخی ماندند و با کمک عده ای از توابعین خشونت طلبی را تئوریزه کردند و در بخش های مهمی از مسئولین جهت اجرا پخش کردند .

از این گروه، می توان به رضا داوری و برادر زن او حسین نصیری و حسین شریعتمداری و علی حسین پناه و صفایی نام برد . علی حسین پناه موقعی که دستگیر شد از طرفداران لیبی بود با تکرش علاقه به دکتر علی شریعتی . بعد از توبه، وارد گروه خشونت طلبان شد و بعدها یکی از بزرگان این گروه گشت. وی در نشریه صبح وابسته به گروه خشونت طلبان در مورد خشونت و توجیه آن مقاله ای دارد که به بررسی آن می پردازیم :

وی در ابتدای مقاله می گوید:

این یک راز تاریخی است که باید کلیه نیروهای مدافع نظامهای انقلابی حاکم همواره آن را نصب العین خود قرار دهند و بی اعتنا به استدلالهای توتولوژیک و بی بهره از واقعیت در سرکوبی نیروهای لیبرال درنگ و تأمل نکنند خشونت طلبان برای توجیه یکدیگر از یک راز تاریخی صحبت می کنند که معلوم نیست مربوط به کدام بخش از تاریخ دوره حضرت محمد و یا حضرت علی است . آنها این راز تاریخی را احتمالاً از دوره بنی امیه و معاویه و یزید فرا گرفته اند و همان زور را روش اصلی حکومت کردن است . او به دوستان خود گوشزد می کند که سرکوبی را نصب العین خود قرار دهند و هیچ وحشتی از این کار نکنند . او تصریح می کند که حکومتیهای انقلابی باید دست به سرکوب بزنند . و می افزاید :

این گنگ اندیشی در ذات اندیشه لیبرالیسم است . لیبرالها وقتی می خواهند به قدرت برسند، شعار آزادی می دهند اما وقتی قدرت به چنگ آوردند، برای حفظ قدرت ، شعار نظم خواهند داد. آنها امروزه از جامعه بری از خشونت دفاع می کنند چون می ترسند که اینک آن را مکرراً در همین دو دهه تاریخ انقلاب اسلامی نشان داده اند. اما

نیروهای مسلمان انقلابی و حزب اللهی نباید فریب شعارهای لیبرالی در نفی خشونت را بخورند. لیبرالها در تحلیل نهایی، دشمنان انقلاب اسلامی، اسلام، مردم و ایران هستند. لیبرالها هدفشان از نفی خشونت ایجاد مصونیت برای خود، سپس کسب قدرت و آنگاه اعمال خبیثانه ترین اشکال خشونت است. اگر کسی به دنبال جامعه عاری از خشونت است ، باید بدانند راهکارهای انقلابی تنها نافی خشونت در صورتبندیهای مخالف آن است. همچنانکه

قرآن مجید می‌فرماید... دفاع انقلابی از آرمانهای دینی و انقلابی مردم و قطع ایادی وابسته گرا، تنها راه آرامش و امنیت عمومی است (و لکم فی القصاص الحیاه).

بدین سان، از دید این جوجه نظریه پرداز خشونت، باید تمامی مخالفان را از میان برداشت تا از خشونت بی نیاز شد. غافل از این که، قدرتی که خشونت چینی و حسیانه روش می‌کند، ماشین تقسیم به دو و حذف یکی از دو است. به سخن دیگر، تا آن روز که خشونت اثری از «خودی» و «غیر خودی» برجا نگذارد، آتش خشونت هستی خواهد سوخت.

بموقع است نظر یکی دیگر از مروجان خشونت، مصباح یزدی را در تأیید حرف های حسین پناه بیاوریم. مصباح می‌گوید:

* تاکیدی که در مواردی که کار از دست دولت خارج شود و اسلام در خطر باشد راهی جز تمسک به خشونت نیست. در این صورت، اعمال خشونت واجب است. (نشریه صبح امروز - ۷۸/۵/۳۰)

* در جایی که نظام اسلام در خطر است و برای مردم با دلایل قطعی ثابت شد که توطئه علیه نظام در کار است باید خودشان اقدام کنند و این از مواردی است که خشونت لازم است حتی اگر هزاران نفر هم کشته شوند. (منبع بالا)

* اگر کسی قرآن را قبول دارد باید خشونت را بپذیرد و قرآن مردمی را لعن می‌کند که بدعت در دین را ببندد و سکوت کنند.

خشونت با نیزه و شمشیر و توپ و موشک و کلت و ویران کردن شهری با اهلش در چند جا جایز است. یک جا، در جهاد که مختص به پیامبران و معصومین است. مورد دیگر احکام جزایی اسلام است که در بعضی جاها احکام بسیار خشنی دارد مانند از کوه پرت کردن و پا بردن و ...

اسلام می‌گوید: این مقدسات از جان من و شما و عرض و ناموس ما و فرزندان ما صدها و هزارها بار عزیز تر است آنجا که برای دفاع از امواتان اسلام اجازه می‌دهد جان نثار کنید برای مقدسات اجازه نمی‌دهد؟ (منبع بالا)

با ذکر سه نمونه از نظرات مصباح حال برگردیم به مکلائی خشونت پرست. او می‌گوید:

* کنفیسوس می‌گوید (دروغ، اصل خشونت است). خشونت فیزیکی یکی از راههای پیکار سیاسی است و می‌توان آن را اعمال نمود. لیکن شرایطی دارد که باید مراعات گردد. خشونت دارای کارآمدی محدود و موسمی است و نمی‌توان آن را به صورت شیوه مستمر زمامداری و مدیریت حفظ قدرت و یا توسعه دامنه نفوذ استخدام کرد. بنابراین برای مجموعه‌های انقلابی اعمال موردی خشونت یک ضرورت است لیکن نباید آن را به یک «انحراف» تبدیل ساخت. در علم سیاست و نظریات جدید، خشونت به گونه‌ای کنفام مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است.

خشونت انقلابی دارای شرایط و ویژگیهایی است که مهمترین آنها را به اختصار مورد اشاره قرار می‌دهیم:

حسین پناه برای توجیه خشونت، شش راه کار ارائه می‌دهد:

۱ - خشونت باید توسط نیرویی اعمال شود که یا از پایگاه مردمی قابل توجه گسترده برخوردار باشد. یا توده های مردم میان عاملان خشونت و قربانیان آن بی طرف باشند.

هیچگاه نباید خشونت را علیه نیروهای دارای محبوبیت مردمی حتی اگر وجهه آن کاذب و فاقد مبانی راستین باشد اعمال کرد.

۲ - خشونت باید همه هستی و نیروهای موثر دشمن را از کارایی خارج کند. خشونت غیر محدود به ضد خود تبدیل می‌شود. چرا که قربانیان بعدی به سرعت متحد شده و با مظلوم نمایی جبهه‌ای علیه نیروهای انقلابی تشکیل می‌دهند.

۳ - خشونت باید سریع باشد چرا که اصولاً شیوه یک مدیریت مستمر نیست، خشونت کند عناصر موثر و زیر کنترل دشمن را استتار و ایمنی می‌بخشد.

۴ - خشونت باید علیه موثرترین نیروهای ضد انقلابی باشد به گونه‌ای که ماشین تبلیغاتی نظامی و عملیاتی و تدارکاتی دشمن را فلج کند.

۵ - خشونت باید علیه نیروهای بد نام جبهه دشمن اعمال شود. نیروهایی که اشتها به فساد مالی، سیاسی، اخلاقی و مرامی و سایر اقسام اشتها سوء دارند.

۶ - خشونت باید مستند به یک مبنای تئوریک و قابل بیان باشد. خشونت از موضع استیصال و تردید بی فرجام خواهد بود.

نکته آخر آنکه محدود سازی مضمون اصلی خشونت را تشکیل می‌دهد. اشاره و تأکید بر این نکته لازم است که حذف فیزیکی ای بسا به شرایطی دامن بزند که فرایند بحران سازی در جبهه دشمن را با مشکل مواجه سازد. دستگیری و بازداشت و ایجاد سوابقی که محدودیت ایفای نقش را در آتیه برای گروههای ضد انقلابی به همراه داشته باشد، جلوگیری از فعالیتهای سیاسی و دموکراسیونهای آنها که به قصد فریب افکار عمومی برگزار می‌کنند، معمولاً در بلند مدت موثرتر است.

* کاربرد یک روش مهم خشونت که با غفلت همگان با میزان تأثیر بسیار، بکار رفت :

در اینجا، حسین پناه نقشه ای را مطرح می‌کند که بعداً در دوران خاتمی انجام شد و کسی به آن توجه نکرد. یعنی کسی به نوشته های حسین پناه توجه نکرد و ندانست که در آینده قرار بود به اجرا در آید. او می‌گوید: دستگیری و پرونده سازی برای ایجاد محدودیت بهترین روشها است:

این همان روشی بود که دستگاه قضایی، در دوران خاتمی، مرتب بکار برد. هر کس را که فکر می‌کرد ممکن است در آینده برای مافیاهای نظامی - مالی شاخ شود، با ایجاد پرونده هایی که ناشی از شکایات سپاه و برخی افراد معلوم الحال و برخی نشریات می‌شد به دادگاه برده و برای آنها پرونده می‌ساختند و آنها را محدود می‌کردند.

وقتی به تاریخ این مقاله نگاه کنیم متوجه می‌شویم که حسین پناه و دیگر یاران او با توجه به اوضاع و احوال آینده برنامه هایی ریخته بودند و نظریه خشونت را در خدمت هدف خود ساخته و توسط دستگاه قضایی و سپاه و واواک به اجرا می‌گذاشتند.

بحاست، بخشی از گفته مصباح یزدی، در تأیید خشونت و کاربرد آن از سوی حسین پناه بیاوریم تا نقش ملاتاریا در رنگ دینی بخشیدن به خشونت گسترش، آشکار شود:

* اگر جایی در بیابان خلوتی دور از چشم پلیس کسی به خدا و پیغمبر و اسلام اهانت کرد و شما دسترسی به پلیس در بیابان ندارید، اهانت به مقدسات اسلامی حکمش اعدام است و در جایی که تشکیل دادگاه برای چنین فردی میسر نباشد هر فرد مسلمانی موظف است شخصا اقدام کند این همان فتوای امام در مورد سلمان رشدی است. (منبع بالا)

* وقتی مردم احساس کنند که کیان اسلام در خطر است و توطئه ای علیه نظام اسلامی در کار است. یک وقت دولت اسلامی این توطئه را می‌شناسد و قبول دارد چنین توطئه ای در کار است وظیفه اش است که خودش اقدام کند. یک وقت اقدام می‌کند و اقدام او کافی نیست و مردم هم باید کمک کنند همانطور که در خواباندن این آشوب هیجده تیر مردم هم مشارکت کردند و این آشوب به تنهایی به دست قوای دولتی خوابانده نمی‌شد.

اخیراً مسئولین هم تصریح کردند که این کار به همت بسیجی های عزیز انجام گرفت و یک جایی که اساس نظام در خطر باشد مردمی اگر با دلایل قطعی برایشان ثابت شد که توطئه ای علیه نظام اسلامی در کار است و می‌خواهند این نظام را بر اندازند دیگران به هر دلیلی توجه ندارند یا به صلاح خود نمی‌دانند اگر مردم قطع پیدا کردند خودشان باید اقدام کنند. این هم از مواردی است که توسل به خشونت جایز است. (منبع بالا)

منبع - خشونت و بحران سازی در مدیریت استراتژیک - ح پناه - فروردین ۱۳۷۸، نشریه صبح شماره ۹۱، صفحه ۳۶.

گسترش خشونت در شرق و غرب کشور و جنبشهای اعتراضی دانشجویان: ایجاد بحران در

جبهه دشمن از دوسو!؟

انقلاب اسلامی: مردم سه استان شرق کشور قربانی خشونت کور به نام اسلام هستند. در زیر، رویدادها را می‌آوریم و یادآور می‌شویم الف - این امر که رژیم جنایت را روش کرده است، یک واقعیت است. ب - فقر و خشونت که مردم گرفتار آند، یک واقعیت است. ج - این امر که تقدیس خشونت توسط ملاتاریا، از عوامل پیدایش گروههایی شده است که اسلام، دین محبت را به توجیه کننده سبانه ترین جنایتها کرده اند، یک واقعیت است. د - این امر که رژیم در شرق و غرب کشور خشونت آمیز ترین بحران ها را ساخته است، خشونت است.

رویدادهایی که در زیر می‌خوانید، به روشنی گویای بحران سازی جنتیکارانه هستند. ه - این امر که امریکا، چون قدرت در حال انحلالی است، بخصوص در مناطق نفت خیز، از سیاست تضعیف دولتها پیروی می‌کند، یک واقعیت است.

اما این واقعیتها، بهجرو، روش کردن جنایت را توجیه نمی کند. رهبر «جند الله» گفته است چون کسی به داد مردم بلوچستان نمی رسد، تشکیل گروه مسلح داده و از راه کشتن گروگان می خواهد توجه همگان را به وضعیت غیر قابل تحمل مردم بلوچستان، جلب کند. اما آیا او نمی داند کشتن یک بی گناه کشتن تمامی انسانهاست؟ آیا او می خواهد توجه همگان را به این امر جلب کند که ایرانیان به گروگان رژیم و مخالفان او، هر دو مسلح و هر دو دد منش درآمده اند؟

◀ در ۱۸ اردیبهشت، گروه موسوم به «جندالله بلوچستان» با صدور بیانیه‌ای به امضای عبدالملک ریگی از قتل حمیدرضا کاوه، فرزند حسن عضو نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با درجه سرهنگ دو که در حادثه تاسوکی در مسیر زابل به زاهدان به گروگان گرفته شده بود، خبر داده است.

◀ جندالله اوایل دی ماه گذشته ۹ تن از مأموران مرزبانی را ربود. مقامات محلی در آن زمان ربایندگان این مرزبان ها، را اشرار خواندند. سرتیپ مهدی محمدی فرد، معاون پارلمانی نیروی انتظامی همزمان با آن گروگان گیری گفت: "تهدید و باج خواهی فایده ندارد و نیروی انتظامی به راحتی می تواند با استفاده از عناصر محلی خود با آنها مقابله کند." او همچنین هشدار داد که: "بزودی آنها را در هر کجا که باشند قلع و قمع می کنیم." وزیر «واواک نیز چند روز بعد از آن ماجرا، اعلام کرد: "اگر متجاوزین و متخلفین این عمل زشت به کار قبیح خود ادامه دهند و این سربازان مدت بیشتری در دست آنان بمانند، خود و حامیانشان سخت تنبیه خواهند شد."

بیست و ششم اسفندماه سایت بازتاب خبر داد که: "مقارن ساعت ۱:۲۰ بامداد امروز کاروانی متشکل از برخی مسئولان استان سیستان و بلوچستان که پس از شرکت در یادواره شهدای دولتی، از زابل عازم زاهدان بودند، در محدوده پل شیله زابل به آنان تیراندازی شد که در جریان این تیراندازی تعداد ۲۲ نفر شهید و تعداد ۷ نفر نیز مجروح شدند." فردای آن روز فرمانده نیروی انتظامی کل کشور برای بررسی این حادثه به زاهدان سفر کرد. احمدی مقدم در زاهدان گفت که "اقدامات گروه جندالله توسط برخی از کشورهای خارجی مورد حمایت قرار می گیرد." او عاملان این حادثه را که به تاسوکی شهرت یافت، شرور خواند و گفت آنها دوازده نفر بوده اند. به گفته فرمانده نیروی انتظامی آنها "در حالی دست به عمل جنایتکارانه کشتار ۲۲ تن از هموطنان در محور زابل - زاهدان زدند که لباس مبدل پلیس را بر تن داشتند."

اگر چه مقامات ابتدا درباره ربوده شدن چندین تن از مقامات محلی در این حادثه اظهار بی اطلاعی کردند، اما اندکی بعد اعلام کردند که تعدادی از مردم در جریان عملیات گروه جندالله ربوده شده اند. عبدالملک ریگی رهبر این گروه اما اندکی بعد با ارسال فیلمی به شبکه العربیه بر صفحه تلویزیون ها ظاهر شد و تهدید کرد که در صورت آزاد نشدن ۵ تن از اعضای این گروه که در زندان به سر می برند، گروگان های خود را خواهد کشت. در ادامه فیلم پخش شده از شبکه العربیه هفت مرد به گروگان گرفته شده با ذکر نام خود و در حالی که تصاویری از کارت های شناسایی آنها پخش می شد، از مقام های مسئول کشور درخواست کمک کردند.

◀ همزمان با حوادث اخیر بلوچستان، خبر دیگری نیز منتشر شد که کمتر مورد توجه رسانه ها قرار گرفت. این خبر مربوط به مرگ چهار تن از عالمان حوزه علمیه اهل سنت زاهدان در دو حادثه رانندگی جداگانه بود. پایگاه اطلاع رسانی حوزه علمی دارالعلوم زاهدان که متعلق به اهل سنت است در گزارشی در این باره نوشت: "حضرت مولانا نعمت الله میر بلوچزی مشهور به توحیدی مفسر جلیل القدر و استاد حدیث دارالعلوم زاهدان و مولانا عبدالحکیم حسن آبادی استاد و مسئول دفتر مناطق محروم دارالعلوم زاهدان بعد از عمری خدمت مخلصانه، مقارن صبح دوشنبه که برای شرکت در جلسه‌ای عازم بندرجاسک بودند، طی حادثه جاده‌ای تصادف با اتوبوس در ۱۸۰ کیلومتری محور زاهدان بم ندای یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی را اجابت کرده و دارفانی را وداع و حوزه‌های علمیه و محافل دینی را داغدار نمودند." بر اساس این گزارش مولانا عبدالحکیم گمشادزی، امام جمعه نصرت آباد و عزیز الله براهویی سه تن دیگر از فعالان مذهبی سنی نیز در کنار نعمت الله میر بلوچزی "در اثر سانحه تصادف در مسیر زاهدان - بم به درجه رفیع شهادت نائل آمدند و با حضور هزاران نفر از مصلاهای بزرگ اهل سنت زاهدان تشییع شدند."

◀ عبدالملک ریگی که برخی منابع او را بیست و هفت ساله و از اهالی استان سیستان و بلوچستان ایران دانسته اند، یکی از اعضای طایفه بیش از سیصد هزار نفری ریگی است. مقامات دولتی او را فردی مانند زرقاوی، عامل بیگانه، شرور، طلبه مدسه علمیه وهابی، استاد حوزه وهاب در پاکستان، هوادار طالبان، تروریست و باج گیر معرفی کرده اند. استاندار سیستان بلوچستان او را کسی معرفی کرده که "مرام نامه اش با هیچ منطقی قابل قبول نیست" و حتی "برخی علمای اهل سنت هم ریختن خونش را حلال کرده اند." با این همه او عضوی از یک طایفه بزرگ بلوچستان ایران است: قبیله ریگی، که امان الله ریگی رئیس آن پیش از انقلاب سمت هایی همچون شهرداری آبادان و نمایندگی مجلس از زاهدان را بر عهده داشته، و در حال حاضر در خارج از کشور زندگی می کند. او طرفدار تشکیل یک حکومت فدرال در ایران است.

عبدالملک در مدت سه ماهه فعالیت نظامی اش توانست به چهره ای مشهور در ایران تبدیل شود. وقتی سه هفته پس از ماجرای تاسوکی خبرگزاری های نزدیک به دولت از ربودن او با گروه جندالله خبر دادند، روزنامه کیهان به نقل از خبرنگار خود در زاهدان تیر اول این روزنامه را به قتل عبدالملک، و گزارشی از جشن و شادمانی در استان سیستان و بلوچستان اختصاص داد. تیر اولی که تنها چند ساعت بعد وزارت کشور آن را تکذیب کرد. عبدالملک ریگی پس از انتشار این خبر در تماس با شهرداری نماینده زاهدان در مجلس هفتم، او را تهدید کرد چنانچه اعضای گروهش که در زندان به سر می برند، آزاد نشوند، نه تنها گروگان ها کشته خواهند شد، بلکه خود او را نیز ترور خواهد کرد.

◀ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان با انتشار بیانیه ای که ادوار نیوز آن را منتشر کرد به حوادث و نا امنی های این استان اعتراض کرد. در این بیانیه دانشجویان این استان با اشاره به این حوادث بر این نکته تاکید کردند که "حادثه ناگوار جاده زابل - زاهدان جای تعمق و تأمل دارد، زیرا صحنه نمایش بازیگرانی بود که برای پیشبرد منافع مادی و سیاسی خود می خواهند هویت قومی را ابزار عمل خویش نمایند، بی آنکه هیچ گونه دل مشغولی و وفاداری قومی ای در آن متجلی باشد."

در این بیانیه آنها از افراد مسلحی سخن گفته اند که "از نزدیک دستی بر آتش ندارند و از دور بوسه بر رخ مهتاب می زنند، و فارغ از دانش و اخلاق مبارزه راه را بر مردم گره می زنند، تا مثله شان کنند و به صلابه شان کشند." نکته عجیب در بیانیه دانشجویان سیستان و بلوچستان اما آن جایی بود که از طراحی ماجرای تاسوکی سخن گفتند. آنها در بیانیه خود نوشتند که "این فاجعه هولناک چنان طراحی می شود که حتی مسئولان طراز اول تأمین امنیت استان، به طور معجزه آسایی از مکر که می گریزند."

ابراز تاسف و برخورد های کلیشه ای مسئولان ذیربط چیزی بیش از نوش داروی پس از مرگ سهراب نیست این مسئولان در پیشگاه ملت، پاسخگوی اهمال کاری های خویش باید باشند.

◀ انجمن اسلامی دانشجویان سیستان و بلوچستان علل گسترش ناآرامی ها در این استان را عبارت می داند از بی عدالتی در واگذاری پست های کلیدی به افراد متخصص گروه های قومی، نرخ فزاینده بیکاری و سوق یافتن نیروی کار و سرمایه به سوی اقتصاد زیرزمینی، نابرابری های اقتصادی استان، در بوته اهمال قرار گرفتن عمران و آبادانی استان و در نتیجه به وجود آمدن آثار روانی، اجتماعی و فرهنگی میان خرده فرهنگ های موجود، زمینه ساز پیدایش تفکرات و جهت گیری های تقابلی تدافعی و گاه تهاجمی می شود.

جدا کردن مردمان به خودی و غیر خودی در عرصه محبت و مهرورزی، ملاک دانستن قومیت و دین در درجه بندی شهروندان، تگرش تحقیر آمیز به پیشینه باشندگان جامعه برخی از عوامل گسترش فعالیت های گروه جندالله و گروه های مشابه در این استان است.

در این میان شاید این خبر هم جالب باشد که نشریه انجمن اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان اندکی پس از انتشار این بیانیه توقیف شد، هر چند در ظاهر به علتی دیگر.

◀ حوادث سیستان و بلوچستان در هاله ای از ابهام هنوز ادامه دارد. عبدالملک دومین گروگان خود را کشته، و مأموران رژیم دو قرار گاه "بعثت" و "پیامبر اعظم" را برای کنترل اوضاع در این استان راه اندازی کرده اند. در این میان آنچه فراموش شده البته فقر و بی عدالتی است که ساکنان مرزهای شرقی سال هاست با آن دست به گریبانند.

◀ به روایت سایت روشنگری، دو ماه بعد از عملیاتی که در منطقه تاسوکی در جاده زابل - زاهدان توسط گروه عبدالملک ریگی موسوم به "جندالله" صورت گرفت، در ۲۳ اردیبهشت، عملیات مشابهی در جاده ارتباطی بم کرمان صورت گرفت. به گزارش خبرگزاری های رژیم حوالی ساعت ۸ شب شنبه یک گروه ۳۰ نفره از نیروهای مسلح "با مسدود کردن ۳۵ جاده بم - کرمان در محور دوراهی جیرفت چهار دستگاه خودرو شامل دو خودروی ۲۰۶ یک خودروی پژو ۴۰۵ و یک دستگاه وانت متوقف کرده و با پیاده کردن سرنشینان آن پس از آنکه دستها و دهان آنها را با نوار چسب بستند... تمام سرنشینان این خودروها را از ناحیه سر و سینه مورد اصابت قرار دادند."

ایرنا تعداد کشته شده گان را ۱۱ نفر ذکر کرد و اعلام داشت که یک جوان ۱۵ ساله زخمی در بیمارستان بستری شده است.

در اطلاعیه ای که از سوی گروهی ناشناس به نام "فدائیان اسلام" به خبرگزاری های مختلف مخابره شده، مسوولیت عملیات محور بم - کرمان پذیرفته شده است. گروه مزبور ضمن "اعلام همبستگی و اتحاد خود با سازمان جندالله ایران" مدعی شده است که "این سازمان مسوولیت عملیاتی که در محور بم - کرمان که در آن تعدادی از پاسداران و مزدوران رژیم ایران به هلاکت رسیده و نیز ۶ دستگاه خودرو به آتش کشیده را به عهده می گیرد."

گروه مزبور تهدید کرده است که "تمامی عملیات و مبارزات خود را علیه رژیم پلید ایران در خارج از مرزهای بلوچستان و سرتاسر کشور انجام خواهد داد و هزاران تاسوکی دیگر را خلق خواهد نمود."

حسین امیری خامکانی « نماینده » مجلس از زرنند کرمان گفته است: "ناامنی ها به سمت استانهای مرکزی کشور در حال پیش روی است و اگر روش و تمهیداتی اندیشیده و اتخاذ نشود، این ناامنی ها همچنان پیش خواهد رفت."

وی با انتقاد تلویحی از روش های فعلی در برخورد با عملیات مسلحانه گفت: "در این رابطه می بایست از تمهیداتی که دولت های قبلی در برخورد با اشار و منافقان اتخاذ کرده بودند، استفاده و همان راهکارها دنبال می شد." وی اما توضیح نداد که منظورش از "تمهیداتی که دولت های قبلی در برخورد با اشار" داشته اند چیست. اما عبدالملک ریگی رییس گروه موسوم به جندالله در گفتگوی رادیویی خود با یک رسانه سلطنت طلب که بعد از عملیات تاسوکی صورت داد تاکید کرده بود که در دوره دولت خاتمی توافقاتی با آنان صورت گرفته بوده، اما بعد از شکل گیری دولت احمدی نژاد این توافقات کاملاً برهم خورد.

* علی زادرس جیرفتی نماینده مجلس ضمن سرکوفت زدن به دستگاه سرکوب رژیم خواستار شدت عمل هر چه بیشتر این نیروها شد و در مجلس پرسید: "چطور است که یک باند تروریست می تواند این چنین راحت لباس رسمی عوامل امنیتی حکومت را بپوشد و به آسانی جاده ی بین المللی و پر ترافیک کرمان - بم و زاهدان را ببندند و مثل آب خوردن خون بیگناهان را بریزند و از جنایات هولناک و اعمال پلید خود فیلم بگیرند و CD آن را در داخل و خارج توزیع کنند."

زادرس با اشاره به این که "در جنوب استان کرمان با بنز خاور کلاشینکف قاچاق می کنند و آمار کشف سلاح دست ساز و جنگی حقیقتاً نگران کننده است" خواستار لشکر کشی بسیج و سپاه به منطقه به منظور تقویت نیروهای انتظامی شد.

* علاءالدین بروجردی رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به دستور اخیر خامنه ای مبنی بر تشکیل "قرارگاه ویژه ای امنیتی شرق کشور" اشاره کرد و با تاکید بر این که قرارگاه مزبور "مسوولیت مستقیم در این زمینه دارد" تاکید کرد که قرار است جلسه مشترک اعضای کمیسیون امنیت ملی رژیم با مسوولان این قرارگاه برای بررسی عملیات جدید برگزار شود.

* پورمحمدی "وزیر" کشور از برگزاری مانور بزرگ در زاهدان در روزهای آینده خبر داد و گفت: "همه عوامل و مجموعه های درگیر اعم از واحدهای انتظامی اطلاعاتی و امنیتی در حال حاضر در تعقیب اشار در شرق کشور هستند، مراکز امن آنان نیز شناسایی شده و تعدادی کشته و برخی نیز به خارج از کشور گریخته اند. البته تعقیب و گریزها برای دستگیری تمامی اشار منطقه ادامه دارد."

* ایجاد جنگ داخلی و تجزیه ایران بخشی از تاکتیک آمریکا برای تحقق پروژه رژیم چنج (؟) است. اجرای این تاکتیک مشروط به نابود کردن مبارزه ملی و دموکراتیک مردم ایران و کشتاندن آن به باتلاق جنگ شیعه و سنی، کرد و فارس و بلوچ و عرب با همدیگر است. برای تکه پاره کردن ایران لازم است جنگ خونین داخلی راه بیافتد و همه به جان هم افتاده و وحشیانه ترین روش های قتل عام رواج یابد. لازم است به شیوه بن لادن سر ببرند و در تلویزیون ها به نمایش بگذارند تا سر

بریدن به شیوه مشابه را تشویق کنند. این همان خط آمریکاست که در عراق به اجرا درآمده است و به خونریزی های وسیع انجامیده است و همین خط را آمریکا و اسرائیل برای اجرای استراتژی خود در قبال ایران به پیش می برند. به همین دلیل است که علیرغم نفرت مردم ایران از حکومت مذهبی، گروه های تروریستی جدید همه اسامی نفرت انگیز مذهبی نظیر "جندالله" و "فدائیان اسلام" دارند. مذهب و قومیت باید ابزار جنگ داخلی باشد. در چهارچوب تاکتیک آمریکا، چنین گروه هایی باید جنگ قومی و مذهبی را همه جا گسترش دهند و رسانه های فارسی زبان خریداری شده همه جا پشتیبانی رسانه ای از جنگ قومی و دامن زدن به نفرت های ملی را اشاعه دهند که آنها هم سخت مشغول همین کار هستند. این واقعیت که جهت دادن به ناراضی های ملی و منحرف کردن آن از مسیر مبارزه ملی و دموکراتیک به سمت جنگ خونین داخلی بخشی از سیاست آمریکاست، از سوی مقامات خود این کشور هم مورد تاکید قرار گرفته است. مدتی بعد از عملیات گروه "جندالله" در تاسوکی، گاردین مورخ ۱۰ آوریل در مقاله ای به نقل از وینست کانستراو رییس سابق عملیات ضد تروریستی CIA نوشت که این یک عملیات تروریستی بود که با پشتیبانی آمریکا صورت گرفته است.

کانستراو گفت: "عملیات نظامی پوششی، مشخص کردن هدف ها توسط نیروهای ویژه و کمک به گروه های مخالف هم اکنون در حال انجام است."

او گفت: "اجازه این کار داده شده و در مقیاسی صورت می گیرد که با مرگ و میر همراه است. تعدادی کشته شده اند."

او گفت: "چریک های سنی بلوچ که توسط آمریکا حمایت می شوند در حمله ای که ماه گذشته در سیستان - بلوچستان صورت گرفت شرکت داشتند."

اطلاعاتی که مقاله گاردین و اظهارات کانستراو به دست میدهد این نظر نیروهای آزادپخواه ایران را تایید می کند که آمریکا و قدرت های خارجی در صدد انحراف مبارزات دموکراتیک با استفاده از عوامل محلی هستند و هرگز در اندیشه دموکراسی و حقوق و آزادی های مردم نبوده اند. ادعای دفاع از دموکراسی و مبارزه با تروریسم به کمک و همکاری با نیروهایی که در مقابل تلویزیون سر می برند، همانقدر باور کردنی است که ادعای رژیم در دفاع از حقوق مردم ایران.

دخالت ها و عملیات تروریستی به کمک نیروهای اجیر شده، مردم مناطق مرزی و ملیت های کشور ما را که بدون دخالت خارجی هم با سرکوب گسترده رژیم مواجه هستند، در شرایط بسیار طاقت فرسایی قرار میدهد و بر لزوم حمایت از آن ها و حقوق مسلم شان در مقابل سرکوب رژیم از یک طرف و توطئه های ضد انسانی عوامل و قدرت های خارجی به شدت می افزاید.

◀ در ۲۵ اردیبهشت، امیر هراتی، گروگانی که "روز" در اسارت با او مصاحبه کرده بود، آزاد شد و عبدالملک ریگی به خبر نگار "روز" گفت: "بقیه گروگان ها نیز به تدریج آزاد خواهند شد." در فاصله گفت و گو با امیر هراتی و دیروز، که روز آزادی او بود، تلفن های فراوانی بین ما رد و بدل شد. سخن از آزادی گروگان دیگری به نام علی پور شمس نیز رفت. ساعت ها نوار، گواه گفت و گوهایی است که، حاصلش این بود: "ما قول می دهیم که هیچ یک از گروگان ها کشته نخواهند شد."

بود. ما هم از او فیلم گرفتیم. کمی صحبت کرد. بعد از او خواستیم علت آزادیش را هم بگوید.

◀ ایران نیز به سراغ «نماینده» زاهدان در مجلس مافیها رفته و از او در باره امنیت در شرق کشور پرسیده است و او، از جمله، گفته است:

به هر حال هر کسی می تواند لباس نیروی انتظامی را بپوشد، چرا که این لباس در دسترس است اما در مجموع باید گفت که نیروی انتظامی در کل کشور عملکردی ضعیف و غیر قابل دفاع دارد.

وی ارایه طرح استیضاح وزیر کشور از سوی برخی نمایندگان به هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی را اقدامی بی نتیجه و بی ثمر خواند و تصریح کرد: من با این کار موافق نیستم چرا که با استیضاح هیچ مشکلی حل نمی شود. ما باید اعتبارات و امکانات لازم را در اختیار دولت قرار دهیم تا بتواند در مسیر تأمین امنیت گام های مثبتی بردارد.

در سال گذشته، دولت برای بودجه سال ۸۵، اعتباری معادل ۵۰ میلیارد ریال برای تأمین امنیت در استان های شرقی کشور پیشنهاد کرده بود که آن را تصویب نکرد. با این شرایط چقدر می توانیم از دولت توقع داشته باشیم که به وظایف خود به خوبی عمل کند.

◀ باهنر، نایب رئیس مجلس مافیها، در جمع خبرنگاران گفته است:

حوادث اخیر با رفتارهای امنیتی صرف حل نمی شود. گلابه ما این است که چرا پس از مدت کوتاهی از یک حادثه تروریستی و عدم برخورد قاطع با آن، شاهد حادثه تلخ دیگری هستیم؟ اگر نیروی انتظامی احساس می کند توانمندی لازم را برای مقابله با این مسأله ندارد، شورای عالی امنیت ملی، امنیت مرزهای شرقی کشور را به سپاه و بسیج بسپارد.

با مواضعی که جمهوری اسلامی ایران دارد، این تلاش ها افزوده خواهد شد و توانمندی بالقوه اطلاعاتی و امنیتی باید برای مقابله با آن به کار گرفته شود.

معاون پارلمانی ناجا: نیروها با ۵ بالگرد با اشرار درگیر شده‌اند/باهر: نیروی انتظامی توان برقراری امنیت ندارد سپاه و بسیج برقراری امنیت را بر عهده بگیرد

◀ شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵، پورمحمدی گفته است: سرکرده اشرار حادثه‌دارزین زخمی شده و هنوز زنده است. کشته شدن سرکرده اشرار حادثه‌ی دارزین را تأیید نمی‌کنیم و آخرین گزارش‌ها حاکی از زخمی شدن وی است. عملیات ردگیری اشرار با جدیت در منطقه ادامه دارد و اجمالا آن‌ها در ارتفاعات جنوب غربی زاهدان تحت محاصره هستند. وزیر کشور ارتباط فامیلی سرکرده‌ی گروه فدائیان اسلام با گروه جندالله را نیز تأیید نکرد.

◀ در شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵، علی زاد سر، «نماینده» جبرفت در مجلس ملاتاریا، گفته است: مردم برای حفظ جان خود در جنوب شرق کشور به اسلحه روی آورده‌اند، ایرانیوز، تعداد افراد مسلح غیر مجاز تکان دهنده‌است، راه‌حل مسائل جنوب کشور استیضاح وزیر کشور نیست، از هیات رئیسه ناراضی ام‌اما در استیضاح شرکت نمی‌کنم. نظام انرژی فوق العاده و سنگینی را مصروف مقابله با این باند تبهار کرده است که قابل تقدیر است. اما سؤال اینست که چرا باید صبر کنیم تا یک سیل بیاید و بعد برای مقابله با آن سد و مانع ایجاد کنیم.

در جنوب شرق مردم برای حفظ جان خود به سوی اسلحه روی آورده‌اند. شاهد اصلی برای این حرف، اظهارات دادستان محترم کشور بود که اعلام کردند، قاچاق اسلحه در کشور طی سالیان گذشته ۱۰ برابر شده است. بنده اعتقاد دارم در مناطق ما آمار مطمئناً بیش از این حرف‌هاست و نظام برای برقراری امنیت باید علاوه بر داشتن برنامه ریزی دراز مدت، به خلع سلاح افرادی پردازد که به صورت غیر مجاز اسلحه در اختیار دارند. براساس آمار، تعداد افراد مسلح غیر مجاز تکان دهنده و یک تهدید است.

نیروهای امنیتی و انتظامی منطقه‌ای به شعاع ۲۰۰ کیلومتر را محاصره و این باند جنایتکار را زمین گیر کرده‌اند. علاوه بر آن برادر جنایتکار اصلی و سرکرده این باند نیز زخمی شده است و منتظریم که خبرهای خوب دیگری را نیز بشنویم.

◀ یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۵، انتخاب گزارش کرده است: پایگاه تروریست‌ها در منطقه "شورو" منهدم شد. در حالی سومین روز رزمایش بزرگ «اقتدار»، با حضور ۱۰ هزار نیروی نظامی برگزار شد که یگانهای حاضر توانستند با انجام یک عملیات موفقیت آمیز، پایگاه اشرار و تروریست‌ها در منطقه «شورو» واقع در منطقه غرب زاهدان را منهدم کنند.

در این رزمایش بزرگ که با نام «اقتدار» و پشتیبانی بالگردهای هوا نیروز و هوا ناجا از روز پنج شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه در منطقه عمومی غرب زاهدان در حال برگزاری است، یگانهای از نیروی انتظامی، نیروی زمینی سپاه و بسیج شرکت دارند. هدف از اجرای این رزمایش، بررسی توانمندیها و کسب آمادگی لازم جهت تداوم عملیات علیه اشرار و گروهکهای ضد انقلاب وابسته به بیگانه است.

در سومین روز اجرای این مانور بزرگ، مأموران ۵ قرارگاه «نصر کرمان»، «بعثت بسیج»، «قرارگاه فتح سیستان»، «قرارگاه خراسان جنوبی» و «یک قرارگاه نیروی زمینی» توانستند طی عملیاتی هماهنگ، مانوری را در مقابله با دشمن فرضی به نمایش بگذارند.

بدین ترتیب این پایگاه از آنجا که به شکل غار بوده، امکان فعالیتهای تروریستی را برای اشرار مهیا کرده بود، مورد هدف قرار گرفته و از بالا منهدم شد. به گفته سردار رضایی، هیچ جسد و یا مجروحی در پایگاه اشرار کشف نشده است، زیرا مجرمان حین فرار، اقدام به انتقال تمامی اجساد و زخمی‌ها کرده بودند.

منطقه "شورو" در فاصله زمانی ۴۵ دقیقه ای از مرز مشترک ایران و افغانستان و پاکستان در جنوب غربی زاهدان واقع است.

◀ هشدار مجلس درباره تحریک قومیت‌ها (شرق ۳۱ اردیبهشت ۸۵):

جلسه علنی دیروز مجلس به صحنه هشدار و اعتراض تعدادی از نمایندگان مجلس درباره اختلافات قومی و مذهبی تبدیل شد. محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس در راس نمایندگان هشدار دهنده بود و پس از او نیز تعدادی از نمایندگان استان‌های آذربایجان و سیستان و بلوچستان هم نسبت به تحریک‌هایی برای ایجاد اختلافات قومی و مذهبی در کشور هشدار دادند. محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس به چاپ کاریکاتوری در روزنامه ایران اشاره کرد و گفت: متأسفانه جمعه گذشته در روزنامه ایران به هموطنان آذری زبان توهینی روا داشته شد که بسیاری از همکاران ما به ویژه نمایندگان استان‌های آذری زبان اعتراض خود را اعلام کردند. باهنر افزود: البته مدیرمسئول روزنامه ایران دو دفعه به صورت رسمی و کتبی عذرخواهی و اعلام کرده با مباشر و نویسنده مقاله برخورد و او را اخراج خواهد کرد.

شهریاری در تذکر خود به استناد ماده ۱۲۵ در رابطه با شورای پول و اعتبار، علل مسائل اخیر اتفاق افتاده در استان‌هایی مثل استان سیستان را ناشی از فقر و محرومیت آنها دانست. او ایجاد امنیت بدون اینکه عوامل ناامنی را برطرف کنیم، غیرممکن دانست و گفت: مطمئن باشید فقر، بیکاری و محرومیت بخشی از عوامل ایجادکننده ناامنی در کشور به شمار می‌آیند.

*در این میان، معاون پارلمانی نیروی انتظامی گفت: مسائل امنیتی شرق کشور امروز با حضور غلامعلی حداد عادل رئیس مجلس و سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بررسی می‌شود. مهدی محمدی فرد معاون پارلمانی نیروی انتظامی در جمع خبرنگاران گفت: بعد از حادثه تروریستی جاده پیم - کرمان، نیروهای انتظامی منطقه آنان را به محاصره درآوردند و اکنون سنگرها و مخفیگاه‌های آنها در اشغال نیروهای ما است. تعداد زیادی از اشرار دستگیر و تعداد دیگری نیز کشته شده‌اند. بستن مرزها مهم‌ترین کاری است که باید انجام شود. اگر نتوانیم ۴۰۰ کیلومتر مرز خود را مسدود کنیم مقابله با ورود اشرار به کشور با مشکل مواجه می‌شود. منشاء این اشرار خارج از مرزهای ما است و معمولاً از سوی کشورهایی به آنها کمک صورت می‌گیرد. معاون پارلمانی ناجا خبر از تقدیم لایحه متمم بودجه برای تأمین امنیت مرزها در شرق کشور داد و گفت: در صورت باز بودن مرزها نمی‌توانیم از اقدامات اشرار جلوگیری کنیم.

* وضعیت در خوزستان :

◀ علیمراد جعفری «نماینده» گجساران در مجلس مافیها خواستار تقویت امنیت این شهرستان شده است : در حاشیه جلسه علنی ۲۴ اردیبهشت، او با اشاره به بروز درگیری مسلحانه بین دو طایفه گجسارانی در هجدهم اردیبهشت، بر لزوم رسیدگی به این مسأله تأکید کرده است. در این درگیری شهر به آشوب کشیده شد و طی آن ۵ نفر زخمی و یک تن کشته شد. بر اثر تیراندازی به یک مینی بوس حامل دانش آموزان در جریان این درگیری یکی از دانش آموزان زخمی شد.

مسئولان می‌توانستند از این حادثه جلوگیری نمایند. اما در این زمینه سهل‌انگاری کرده‌اند. علت بروز این درگیری، واگذاری زمین از سوی منابع طبیعی به برخی افراد خاص بوده است.

او با اشاره به ناامنی‌های ناشی از این درگیری، افزود: برخی کسبه، از ترس مغازه‌های خود را باز نمی‌کنند و فرهنگیان سر کلاس‌های درس حاضر نمی‌شوند.

* تظاهرات در شهرهای آذربایجان و دانشگاهها :

◀ به گزارش تبریز نیوز، تجمع هزاران تن از مردم تبریز در روز دوشنبه در اعتراض به چاپ کاریکاتوری در روزنامه دولتی ایران به خشونت کشیده شد.

این درگیری‌ها از زمانی آغاز شد که هزاران تن از مردم تبریز در اعتراض به توهین و تحقیر هم‌وطنان ترک در روزنامه دولتی ایران که در تاریخ جمعه ۲۲ اردیبهشت با انتشار کاریکاتور و مطلب توهین آمیز صورت گرفته بود، عصر امروز دوشنبه ۱ خرداد ۸۵، در میدان راسته کوچه منتهی به بازار تبریز دست به تجمع اعتراض آمیز زدند.

دقایقی پس از آغاز این تجمع که در ساعت ۱۶ صورت گرفت پلیس تبریز تلاش کرد تا به این تجمع خاتمه دهد که به درگیری و تعقیب و گریز انجامید. یگان ضد شورش تبریز برای متفرق کردن تجمع کنندگان از گاز اشک آور استفاده کرد.

در این میان برخی از تجمع کنندگان خشمگین به طرف میدان منتهی به استانداری و فرمانداری تبریز و تعدادی دیگر به سوی میدان ساعت و چهار راه آبرسانی حرکت کرده و در بین راه به برخی از کیوسک‌های تلفن، تابلوهای برق، ایستگاه اتوبوس و صندوق صدقات و گلدان‌ها آسیب رساندند.

این تعداد از افراد از میدان منصور تا چهار راه آبرسانی تبریز در حالیکه شعار می دادند شیشه های اکثر بانک های دولتی و خصوص را نیز شکسته و بانک های ملت شعبه آبرسان و بانک ملی شعبه دانشگاه تبریز را به آتش کشیدند، که سرایت این آتش طبقات فوقانی چند واحد اداری غیر دولتی را نیز طعمه حریق کرد. تظاهرات کنندگان همچنین چند خودرو از جمله مینی بوس پلیس یگان ویژه تبریز را به آتش کشیدند. برخی از این تعداد با نیروهای مستقر در پایگاه مقاومت بسیج در روبروی دانشگاه تبریز درگیر شدند. هنوز از تعداد زخمی ها و دستگیر شده ها اطلاع دقیقی در دست نیست. گفته می شود حال عمومی یک نفر که بر اثر شلیک گلوله در بیمارستان بستری شده رضایت بخش نیست.

* به گزارش ایلنا، این تظاهرات از ساعت چهار بعدازظهر روز دوشنبه در خیابان راسته کوچه و میدان نماز آغاز شد و معترضان بدون آنکه برنامه خاصی برای این تجمع تدارک دیده باشند ابتدا شروع به سر دادن شعار کردند و سپس به سمت استانداری آذربایجان شرقی حرکت کردند. در دیگر سوی شهر تبریز تعدادی از دانشجویان نیز به این حرکت پیوستند و از مقابل دانشگاه تبریز با سردادن شعارهایی اعتراض آمیز، حمایت خود را در دفاع از حقوق آذری زبانان نشان دادند.

بازار تبریز تعطیل بود. بازاریان و کسبه خود نیز به این حرکت پیوسته بودند و در کنار جوانان و دانشجویان تاسف خود را از توهین به آذری زبانان اعلام کردند.

* به گزارش ایلنا، در اعتراض به توهین یک روزنامه رسمی به آذری زبانها از صبح امروز تا حوالی ظهر بازار اردبیل به حالت نیمه تعطیل درآمد.

* ایلنا (۱ خرداد) از اعتراض دانشجویان در دانشگاههای مختلف به تحقیر و توهین به آذری زبانان گزارش می کند.

* بنا بر گزارشهای دیگر، در جریان هجوم به مردم تبریز، دهها تن کشته شده اند. « دادستان انقلاب » گفته است ۵۴ تن دستگیر شده اند. با اینکه او گفته است کسی در تجمع تبریز کشته نشده اما خبر از کشته شدن ۶ نفر در ۱ خرداد رسیده است. نام یکی از آنها محمد پاکروان است. همچنین خبر دیگری از زخمی شدن بیش از ۱۰۰ نفر حکایت دارد. شخصی به نام حبیب عندلیبی که از ناحیه پا در اثر تیراندازی ماموران پلیس مجروح شده است در بین زخمی های روز اول خرداد قرار دارد.

* سخت هشدار دهنده این واقعبیت است که توهین در روزنامه ایران، تحت اداره باند احمدی نژاد، درج شده است. نخستین حرکت اعتراضی در تبریز، در دانشگاه و توسط « دانشجویان » متعلق به حکومت مافیاهای نظامی - مالی بعمل آورده است: ایجاد بحران در جبهه دشمن که از دید این رژیم مردم ایران هستند.

▲ در ۳ خرداد به گزارش تبریز نیوز، ده ها هزار نفر از مردم تبریز در اعتراض به چاپ کاریکاتور توهین آمیز در روزنامه ایران و اقدامات عده ای فرصت طلب در تجمع روز دوشنبه در تبریز دست به راهپیمایی زدند.

این راهپیمایی و تجمع اعتراضی که از ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه سوم خرداد ۸۵ آغاز شد از میادین و خیابان های شریعتی، شهدا، منصور و باغشمال تا میدان ساعت تبریز کشیده شد. اکثر تجمع کنندگان که پرچم ایران در دست داشتند فریاد می زدند یا شاسین ایران، یا شاسین آذربایجان (زنده باد ایران - زنده باد آذربایجان)، آذربایجان اویاخدی، ایرانیا دایاخدی (آذربایجان بیدار است تکیه گاه ایران است) به طرف میدان ساعت حرکت می کردند.

▲ سایت روشنگری این واقعبت ها را یادآور شده است:

در حقیقت شرایط کاملاً فراهم شد: رژیم جمهوری اسلامی رژیم است که بر اساس انواع تبعیض های نهادینه شده قومی، ملی، مذهبی، جنسی، سیاسی و فرهنگی بنا شده. هیچ کس در این نظام حق شهروندی ندارد، همه ناراضی اند و مطالبات و خواست هایشان پاسخ نکرده است. از سوی دیگر می دانیم که هزینه اعتراض بدون دستاویز محکم در این رژیم سرکوبگر بالاست و اعتراضاتی که بخواهد آنسوی فرصت های نقد و آشکاری صورت بگیرند که خیبط و بی سیاستی یا قلدری و بی فرهنگی رژیم مستقیماً زمینه ساز بروز آنها می شوند، معمولاً شدیدتر سرکوب می شوند.

مطلب روزنامه ایران چنین فرصتی را فراهم کرد و پس قبل از هر چیز نشان داد که جامعه ما واقعا از خشم و نفرت از این رژیم و سیاست هایش انباشته است و برای بیان اعتراض دنبال خروجی های مناسب است؛ و نشان داد که مطالبات بر حق ملی، حق سخن گفتن به زبان مادری، حق نوشتن و تحصیل به زبان مادری، حق خودگردانی و همچنین روح طغیان در برابر تحقیر ملی و ستم ملی یک واقعبت عربان و انکار ناپذیر در میان ملیت های ایران است که هر وقت کوچکترین مجال می یابد، خود را به شکل اعتراض به رژیم و سیاست های مخرب ضد فرهنگی و واگرایانه اش بیان خواهد کرد. پس اصل اعتراض دانشجویان و خواست ها و مطالبات آنها برحق است و هیچ آزادیخواهی نمی تواند این خواست ها را نادیده بگیرد و از کنار آنها بگذرد و با از آنها حمایت و با دانشجویان ابراز همبستگی و همدردی نکند. ریشه اصلی فاجعه هم همچنان که بر همه روشن است رژیم جمهوری اسلامی است که با سیاست ها و بی سیاستی هایش به کینه و عدوات ملی دامن می زند، زمینه را برای گسترش نفرت ملی فراهم می کند و به نیروهای سیاه و هم سرشت خویش در جبهه مقابل سوخت می رساند و مایه تغذیه آنها می شود.

در واقع چیزی که در جریان اعتراض برحق دانشجویان به روزنامه ایران درخور توجه جدی است تلاش گروههای فاشیست و قوم پرست و جدایی طلبان آذری برای بهره برداری موبدانه از این ماجراست. این گروهها که آشکارا و پنهان بعد از تبدیل شدن تجزیه ایران به یک گزینه آمریکا برای آینده ایران و تمرکز گروههایی مانند مایکل لدین بر گروههای قومی و مطالبات آنها و تشکیل کنفرانس در این زمینه سرعت رشد کرده اند، بر همان زمینه ای عمل می کنند که رژیم جمهوری اسلامی با سیاست تبعیض نهادینه شده اش بستر آن را فراهم کرده، آنها به جنگ کرد و ترک دامن می زند. آنها در راستای ماموریت تکه پاره کردن ایران و دامن زدن به کینه و نفرت ملی، کردها و ارمنی ها و سایر خلق های ایران را عملاً بدتر از سوسک می دانند و عظمت طلایی ملی آنها که با جنبش گرگ های خاکستری ترکیه هم کیش است به منابع مالی خارج و تحریکات آشکار کشورهای همسایه و امکانات آنها وابسته است.

این نیروهای سیاه که عناصر اصلی طرح امثال مایکل لدین و رژیم اسرائیل برای به جان هم انداختن ترک ها و کردها و عرب ها و بلوچ ها و ارمنی ها در ایران چند ملیتی و راه اندازی حمام خون و تکه پاره کردن ایران هستند، طبعاً در میان دانشجویان ایران جایی ندارند و سواستفاده آنها از مطالبات برحق ملی بر دانشجویان پوشیده نخواهد ماند. هر کس رسوم، زبان، فرهنگ، ویژگی ها و مطالبات ملت های دیگر را تحقیر کند، نمی تواند مدافع واقعی حق ملی ملت خودش هم باشد. از طریق کینه ورزی به کرد و ارمنی به نام ترک، از طریق تبلیغ نژادپرستانه برای فارس به نام فارس و علیه کرد و ترک و بلوچ و ارمنی، از حق شهروندی هیچ یک از آحاد ملیت های ایران به طور عموم و حقوق ملی به طور ویژه نمی شود دفاع کرد. در این صورت همه به جان هم خواهند افتاد و با توجه به جابجایی های گسترده مکانی که طی زمان طولانی کمابیش صورت گرفته، اما هنوز تا حدودی ویژگی های ملی خود را حفظ کرده در صورت به جان هم افتادن ملیت ها چنان حمام خونی به راه خواهد افتاد که نمونه یوگسلاوی در برابر آن واقعا کاریکاتور خواهد بود و عراق فعلی را پشت سر خواهد گذاشت؛ بخصوص این که، تنوع قومی و ملی در ایران بسیار وسیع تر از یوگسلاوی است و پراکندگی جغرافیایی بدون جذب کامل فرهنگی هم خیلی گسترده تر است.

انقلاب اسلامی: آنها که مردم را از حرکت برای رها شدن از استبداد مافیاهای می ترسانند، اینک ببینند که حق با ما بود وقتی می گفتیم ادامه حیات این رژیم است که حیات ملی را به خطر می اندازد. و بحران سازی دولت مافیاهای فرصت مناسبی را در اختیار قدرت خارجی می گذارد و هرگاه ایرانیان بخواهند حیات ملی خود را حفظ کنند می باید به جنبش همگانی روی آورند تا وجدان ملی به استقلال و آزادی و رشد غنی جوید و دست قدرتهای خارجی و دستیاران زورپرستان از ایران کوتاه شود.

* جنبشهای اعتراضی در دانشگاهها:

▲ به گزارش ایسا (۱ خرداد)، دانشجویان دانشگاه امیر کبیر در اعتراض به اخلال در انتخابات شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه، مقابل دفتر ریاست این دانشگاه تجمع کردند.

دانشجویان با طرح شعارهایی مبنی بر "ریاست دانشگاه استقلال، استقلال"، "عطایی پور استعفاء استعفاء" و خواندن سرود "یار دبستانی" و "ای ایران" خواستار عدم مداخله آن چه نهادهای غیردانشجویی در انتخابات انجمن اسلامی دانشجویان می نامیدند، شدند.

برخی اعضای شورای صنفی دانشجویان، نشریات دانشجویی و کانونهای فرهنگی - هنری دانشگاه امیر کبیر نیز در این تجمع حضور داشتند. یکی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان در این باره به خبرنگار ایسا گفت: « قرار بود انتخابات شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان امروز (دوشنبه) برگزار شود و بنا به عرف دانشگاه، انجمن اسلامی برای برگزاری انتخابات نیازی به گرفتن مجوز از دانشگاه ندارد و تنها باید برگزاری انتخابات را به دانشگاه اطلاع دهد، ولی با این وجود، از برگزاری این انتخابات جلوگیری شد.»

دانشجویان معترض با راهپیمایی در صحن دانشگاه، مجدداً به مقابل دفتر ریاست دانشگاه بازگشتند و در راهروی ساختمان ریاست تحصن کردند.

دانشجویان معترض همچنین به سمت مراسم تریبون آزاد دانشجویی کانون اندیشه دانشجویی مسلمان که از صبح امروز در دانشگاه برگزار شده بود حرکت کردند و با جمعی از برگزارکنندگان و دانشجویان حاضر در مراسم درگیر شدند.

دانشجویان شعار "دانشجوی آزاد، حمایت حمایت" را طرح کردند و در مقابل، دانشجویان حاضر در همایش شعار "مرگ بر منافق" را می دادند یکی از دانشجویان خطاب به برگزارکنندگان این تریبون آزاد گفت: «فرق من و شما این است که شما حاشیه امن دارید و از شما حمایت می شود.»

سپس دانشجویان معترض به سمت چادر نمایشگاه حماسه ماندگار که از سوی بسیج کارکنان در صحن دانشگاه امیر کبیر برپا شده بود، هجوم بردند که با ممانعت جمعی دیگر از دانشجویان نتوانستند وارد چادرها شوند.

کریمیان که خود را مسوول بسیج کارکنان دانشگاه معرفی کرد با حضور در جمع دانشجویان گفت: «این نمایشگاه برای همه‌ی شماست. قرار نیست این جا شهید دفن کنیم. اگر اعتراض شما به سلاح‌های نظامی درون نمایشگاه است آن‌ها را جمع آوری می کنیم.» یکی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر نیز گفت: «اینجا دانشگاه صنعتی شریف نیست.»

یکی از دانشجویان معترض در این میان گفت: «بر خوردی که با انجمن‌های اسلامی انجام می شود دیگر کسی نمی ماند که به ظلم اعتراض کند. هر کدام از ما می توانیم بدون دغدغه درسی مان را بخوانیم و خود را درگیر نکنیم. اما می ترسیم دیگر کسی نباشد که به نقض حقوق اعتراض کند.» این دانشجوی گفت: یکبار برای همیشه باید تکلیف خودمان را مشخص کنیم، چرا کسی باید به خود اجازه دهد در جایگاه قضاوت بنشیند و برای صلاحیت دانشجو تصمیم بگیرد. مهرورزی دولت منجر به گزینش شده است.»

دانشجویان متحصن همچنین در برابر در دفتر ریاست دانشگاه تجمع کردند. این تجمع منجر به درگیری فیزیکی بین دانشجویان و مسوولان نگهبانی شد. تجمع بیش از حد دانشجویان در مسیر راه پله‌های دفتر ریاست دانشگاه منجر به شکستن برخی شیشه‌های دانشگاه شد و تعدادی از دانشجویان زخمی شدند.

دانشجویان متحصن در مقابل دفتر ریاست، درحالی که پای می کوبیدند و شعار می دادند استعفا دکترو رهایی را خواستار شدند.

◀ در ۱ خرداد، دانشجویان پلی تکنیک با صدور بیانیه ای، تجاوزهای دولت مافیایها به دانشگاهها را بر شمردم و به نظامی کردن دانشجویان اعتراض و خواسته اند:

۱- بسیج و دیگر نهادهای شبه نظامی داخل دانشگاه هیچ گونه پشتوانه دانشجویی نداشته و حضورشان در سطح دانشگاه غیرقانونی است. نهاد های شبه نظامی که جیره و مواجب بگیر فرماندهان بیرون دانشگاه هستند، به هیچ وجه در جایگاهی قرار ندارند که بخواهند برای عموم دانشجویان تعیین تکلیف نموده و در کار تشکل های دانشجویی اخلال ایجاد نمایند. به این نهادها هشدار می دهیم در صورت ادامه روند کنونی به رسم همیشگی پلی تکنیک با واکنش شدید دانشجویان مواجه خواهند شد.

۲- مدیریت دانشگاه بداند اگر چه امروز پشتش از بیرون به دولتی عوام فریب و عوام زده و از درون دانشگاه مشتی پیدان خون قدرت گرم است، اما هنوز آن قدر فضای دانشگاه ها مرده نشده که بخواهد به فراخور ایام به هر جایی تجاوز کند. انجمن اسلامی دانشجویان اعتبار و مشروعیت خود را از مدیریت و نهادهای دولتی نگرفته است که بخواهد با به رسمیت شناخته نشدن از سوی این افراد جلوی فعالیت هایش سدی ایجاد گردد. انجمن پلی تکنیک نهادی دانشجویی است و تمام اعتبار و هویت آن از سوی دانشجویان رقم زده می شود. به اعتقاد ما مدیریت دانشگاه بایستی از سوی دانشجویان و دانشگاهیان مورد تایید یا رد قرار گیرد و نه بالعکس.

◀ تحصن دانشجویان دانشگاه چمران اهواز: برای اولین بار انتخابات شورای صنفی دانشگاه با دخالت هیات نظارت و ردصلاحیت ۹۰ نفر از ۲۵۰ کاندیدای شرکت کننده برگزار شد و اعتراض‌های دیر و اعضای شورای مرکزی صنفی نیز در این زمینه راه به جایی نبرد. سرور هاشمپور در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، گفته است: روز یکشنبه دانشجویان در اعتراض به عملکرد هیات نظارت و حراست دانشگاه و محدود شدن فضای فرهنگی از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۷:۳۰ تحصن کردند که این تحصن با حضور مشاور رییس دانشگاه پایان یافت.

◀ به گزارش خبرنگار امیر کبیر، در ۲ خرداد، ساعت ۱۰ صبح ۱۰۰ سرباز وارد دانشگاه امیر کبیر شده‌اند. به نظر می‌رسد این اقدام در راستای امنیتی و پلیسی کردن فضای دانشگاه می‌باشد. دیروز نیز سربازان نیروی انتظامی و یگان ضد شورش نیز در بیرون دانشگاه و در پشت مدرسه البرز مستقر شده بودند که در صورت لزوم وارد دانشگاه شوند. به گزارش ایسنا، دانشجویان در ساعت ۲۱:۳۰ شب گذشته (سه‌شنبه ۲ خرداد) تجمع کرده و از مقابل ساختمان شماره ۱۸ کوی دانشگاه تهران، در اعتراض «به یورش قوای سرکوب به مردم تبریز و بازنشسته شدن ۹ تن از اساتید دانشکده حقوق دانشگاه تهران و همچنین حمایت از اعتراضات دانشجویان دانشگاه امیر کبیر» به حرکت درآمده‌اند.

چون از کوی دانشگاه بیرون آمده‌اند، مورد هجوم نیروهای لباس شخصی قرار گرفته‌اند. بسیاری از دانشجویان بازداشت شدند. قابل ذکر است تعدادی نیز زخمی و مصدوم شدند که به بیمارستان شریعتی و دیگر بیمارستان‌ها انتقال داده شدند.

دانشجویانی که هجوم را در ساعت ده صبح ۳ خرداد اطلاع داده‌اند، «از مردم غبور ایران درخواست کمک و یاری» کرده‌اند.

◀ بنا بر گزارش یک سایت دانشجویی، در ۳ خرداد، دانشجویان معترض سه شعاری را سر می‌داده‌اند هر وبلاگ آنها را ذکر کند، ذکر کننده، بدون برگزاری دادگاه اعدام خواهیم شد.

در این شعارها که تا کنون در هیچ درگیری دانشجویی و غیر دانشجویی سابقه نداشته است هر آنچه که باید، گفته شده است... تا کمی بعد از نیمه شب، حداقل یازده نفر از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه بازداشت شده بودند.

یکی از خوابگاه‌های دانشجویی که تبدیل به بیمارستان صحرایی شده است مملو از دانشجویان زخمی و مجروح است که حال بعضی از آنان به شدت وخیم است.

◀ بنا بر گزارش مرتضی اصلاح چی، عضو تحکیم وحدت، در حال حاضر کوی دانشگاه کاملاً در محاصره نیروهای ضدشورش و یگان ویژه می‌باشد و حضور نیروهای لباس شخصی در اطراف کوی کاملاً محسوس است.

بنا بر اخبار امروز (چهارشنبه) دانشگاه تهران تعطیل می‌باشد. گفتنی است که ظهر امروز (چهارشنبه) دانشجویان دانشگاه امیر کبیر مجدداً تحصن خود را آغاز خواهند نمود و شایان ذکر است که شب گذشته دست کم ۱۰۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه شب را در صحن دانشگاه به سر بردند. همچنین امروز دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی نیز جمعی را در اعتراض به حوادث اخیر کشور در دانشکده روانشناسی این دانشگاه برگزار خواهند کرد دانشجویان این دانشگاه روز گذشته نیز تجمع مشابهی را در دانشکده ادبیات وزبانه‌های خارج برگزار کردند.

◀ در ۳ خرداد، ماموران پلیس ضد شورش و افراد بدون لباس فرم مشخص با دانشجویان معترض درگیر شدند. دانشگاه صنعتی امیر کبیر، برای چهارمین روز متوالی صحنه درگیری و جنبش اعتراضی دانشجویان بود.

دانشجویان دانشگاه امیر کبیر در ادامه اعتراض خود به لغو انتخابات انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه از سوی ریاست دانشگاه، از ظهر امروز مقابل مسجد این دانشگاه تجمع کردند.

◀ ۳ خرداد، شب هنگام، دانشجویان در کوی دانشگاه، به جنبش اعتراضی خویش ادامه دادند. ساعت ۷ صبح ۴ خرداد، لباس شخصی‌ها به کوی دانشگاه حمله و گروهی را دستگیر کرده و با خود بردند. شمار دستگیر شدگان ۸ تن گزارش شده است.